

### انواع نظارت الهی و اهداف آن در خطبه‌های سیاسی نهج البلاغه

محمدهادی امین ناجی\* / سید محمد طباطبایی نسب\*\* / زهرا خیراللهی\*\*\*

زینب خطی دیزآبادی\*\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴

#### چکیده

مفهوم نظارت الهی از موضوعات مهمی است که در حوزه علوم انسانی و مبانی معرفت‌شناسی کاربردی اساسی دارد. در خطبه‌های سیاسی و اعتقادی نهج البلاغه نیز مفهوم نظارت الهی و انواع آن مورد اهتمام و توجه قرار گرفته است. از این رو پژوهش پیش روی در صدد آن است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، انواع نظارت الهی و مفاهیم متنوع آن را در خطبه‌های سیاسی نهج البلاغه مورد بررسی قرار دهد. در این بررسی تلاش خواهد شد تا انواع و حوزه‌های متنوع نظارت الهی، با توجه به فضا و ساختار فرهنگی-اجتماعی این خطب تحلیل و بازبینی گردد و نهایتاً آنچه از این تحلیل بدست می‌آید این است که علی (علیه السلام) در نهج البلاغه نظارت الهی را از منظری دوگانه مطرح کرده‌اند. نخست: نظارت عامه که شامل نظارت خداوند بر همه انسان‌هاست و دیگری نظارت خاصه خداوند است که به حکام، کارگزاران و سیاستمداران اختصاص دارد و هر یک از این نظارت‌ها با اهداف خاص و با واژگانی مخصوص به خود در این خطبه‌ها بیان شده است. در پایان مقایسه‌ای بین نظارت در نهج البلاغه با فرآیند بازخورد ۳۶۰ درجه صورت می‌گیرد.

#### واژگان کلیدی

امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه‌های سیاسی، نظارت الهی.

\*. استاد گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشگاه پیام‌نور؛ واحد تهران جنوب؛ تهران؛ ایران. [aminnaji@pnu.ac.ir](mailto:aminnaji@pnu.ac.ir)

\*\* .استاد گروه مدیریت بازرگانی؛ دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری؛ دانشگاه یزد؛ یزد؛ ایران. [tabatabaenasab@yazd.ac.ir](mailto:tabatabaenasab@yazd.ac.ir)

\*\*\*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشگاه پیام‌نور؛ واحد تهران جنوب؛ تهران؛ ایران. [Zkheirolahi@pnu.ac.ir](mailto:Zkheirolahi@pnu.ac.ir)

\*\*\*\*. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه؛ دانشگاه پیام‌نور؛ واحد تهران جنوب؛ تهران؛ ایران. [zekhati@yahoo.com](mailto:zekhati@yahoo.com)



## ۱. مقدمه

خداوند انسان را مختار آفریده است اما، از راه‌هایی او را تحت کنترل و نظارت قرار می‌دهد. زیرا انسان علاوه بر وسوسه‌های درونی که از طریق نفس اماره به آن دچار می‌شود، در معرض دسیسه‌های شیاطین جن و انس نیز قرار می‌گیرد. به طور کلی انسان گرایش به اموری دارد که می‌تواند موجب گمراهی و شقاوت او گردد. به همین دلیل خداوند بر اعمال انسان نظارت دارد. پژوهش پیش رو به بررسی اهداف خداوند از نظارت بر انسان‌ها از منظر علی (علیه السلام) می‌پردازد و در این راستا با گزینش انواع نظارت الهی، به تبیین و بازیابی معانی و نتایج آن از خلال خطبه‌های سیاسی نهج البلاغه می‌پردازد تا به این مسأله پاسخ دهد که از منظر علی (علیه السلام) هر یک از این نظارت‌ها در کدام حیطة و قلمرو اجرا می‌گردد. کتاب نهج البلاغه حاوی موضوعات مختلفی در حوزه‌های اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... است. خطبه‌های سیاسی حضرت عمدتاً با مسائل اعتقادی و اخلاقی آمیخته شده است و حضرت مردم را به تفکر و تعقل در حوزه مسائل اجتماعی، عبادی، اقتصادی، اخلاقی و ... دعوت و اثرات غفلت از آنها و عمل به آنها را مشفقانه گوشزد می‌نماید.

بررسی انواع نظارت الهی به علت آثاری که بر اخلاق و تربیت می‌نهد حائز اهمیت است. از مهمترین آثار اعتقاد به این نظارت ترس از خداوند است که خود این ترس دو بعد دارد: اول ترس از مجازات و دوم ترس از دست دادن محبت الهی. باور به نظارت الهی باعث می‌شود تا هنگام رفتار ناپه‌نجان احساس شرم از معبود، انسان را فرا بگیرد. همچنین ایمان به نوع نظارت نوعی احساس آرامش روحی را در انسان به وجود می‌آورد که از پیامدهای آن ایجاد شخصیت سالم است. اگر انسان، خداوند متعال را همواره شاهد و ناظر بر کارهای خود بداند و به عبارت دیگر، خود را همواره در محضر خدا ببیند، از هرگونه لغزش و خطا و خیانت مصون خواهد ماند. با توجه به ضرورت نظارت الهی در جامعه اسلامی، اهمیت این نظارت در خطبه‌های سیاسی حضرت به خوبی نمایان است تا بدانیم که رهبر سیاسی اسلامی یک جامعه چگونه مردم را به رشد و هدایت راهنمایی می‌نماید.

در پیشینه پژوهش با بررسی‌هایی که صورت گرفت در حوزه نظارت اجتماعی مقالات متعددی صورت گرفته است. این مقالات شامل:

۱. نظارت و مبانی آن در نظام و اندیشه علوی، اخوان کاظمی، در این نوشتار تلاش شده است با تأمل در آیات قرآنی و سیره نبوی در این باره، جایگاه و مبانی نظارت و ویژگی‌های آن در نظام سیاسی و اندیشه علوی پژوهش شود و این مدعا اثبات شود که در اندیشه و نظام علوی به مفهوم مهم نظارت در



ذیل موضوع امر به معروف و نهی از منکر توجه بسیار شده است و برای انجام کنترل ها و بازرسی‌های سیاسی و اجتماعی از دو سازوکار لازم و ملزوم نظارت درونی و بیرونی در تحدید و کنترل قدرت بهره گیری می شده است

۲. نگاهی به نظارت و کنترل در آموزه های نهج البلاغه، ابوالحسن مولانی، این مقاله با رویکردی دینی و با استفاده از سیره و گفتار حضرت علی (علیه السلام) و نوع نگرش آن بزرگوار به امر خطیر نظارت، و هدف از آن می پردازد.

۳. نظارت و بازرسی از دیدگاه اسلام با تاکید بر فرمایشات حضرت علی (علیه السلام)، حسن جوادی، کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی، مقاله موردنظر به بررسی فرامین امام علی (علیه السلام) در باب بازرسی و نظارت پرداخته و با استعانت از خطبه ها، نامه‌ها و سخنان امام علی (علیه السلام) منشور تربیتی و مدیریتی امام را در این موضوع استخراج و ترسیم نماید.

۴. نظارت و کنترل از نگاه مدیریتی امام علی (علیه السلام)، محمودیان حمید، ساجدی علی محمد، بیگم فقهی طاهره، در این تحقیق، فشرده‌ای از نظام ارزشیابی و نظارت اسلامی از نگاه نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) عرضه شده است، و مبانی الهی و انسان شناختی و ارزش شناختی آن از کلام نورانی آن حضرت استخراج شده است. سپس، با ذکر نمونه‌هایی از اعمال نظارت مستقیم و غیرمستقیم برگرفته از سیره و سخنان آن بزرگوار، گامی هرچند کوتاه، در جهت تبیین شیوه نظارتی امام (علیه السلام) برداشته شده است.

پژوهش حاضر از بداعت برخوردار است و انواع نظارت الهی را در خطبه‌های سیاسی حضرت بیان می‌دارد و به نوعی فضای سیاسی-اجتماعی این خطب و اهداف نظارت الهی در این خطبه‌ها اشاره دارد.

## ۲. تبیین مفاهیم

۱-۲. خطبه سیاسی: خطبه کلام مخصوص، مشتمل بر ستایش خداوند و صلوات بر محمد و آل محمد است. بنابر آنچه در منابع حدیثی و تاریخی آمده است پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر معصومان (علیهم السلام) به مناسبت‌های مختلف در اجتماع مردم خطبه می‌خواندند. خطابه یا خطبه یا وعظ سخنی است برای تحریک مردم به انجام یا ترک عملی از طریق تحریک عواطف و افئاع آن‌ها. در واقع در خطابه پیش از آن که اندیشه و فکر افراد مورد خطاب باشد، احساسات و عواطف آن را مخاطب قرار می‌دهند و آئین سخنوری را خطابیت می‌گویند. (محمدحسن نجفی، ۱۲۶۶، ج ۱۱، ص ۲۰۸-۲۱۴) در تعریف خطبه سیاسی نهج البلاغه آمده است: «حضرت بعد از به دست گرفتن حکومت، به مناسبت‌های مختلفی به ایراد خطبه و یا نوشتن نامه اقدام نموده و در آن به تشریح مواضع و اهداف سیاسی خویش می‌پرداختند.»

(ریاحی مهر، مسترحمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۹). تفاوت خطب سیاسی با دیگر خطبه‌ها در این است که حضرت در این گونه خطب، مردم شهر یا حاکمان و کارگزاران خویش را از رفتار یا کردار اشتباه نهی کرده و پس از آن از طریق انواع نظارت‌ها آنان را دعوت به رفتار و کردار نیکو نموده است.

۲-۲. نظارت: واژه دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد واژه نظارت است.

۲-۲-۱. نظارت از نظر لغوی: نظارت در اصل یک واژه عربی است که از ماده ی «نظر» به معنای نگاه توأم با تأمل و اعتبار آمده است. واژه نظارت در کتب لغت شناسی به معنی بازرسی، بررسی، سرپرستی، مباشرت، مراقبت، تماشا، نظر، نگرش، بازبینی، بازرسی، پابیدن، دیدوری، فردید، واری بیان شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۵۴، جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، صص ۸۳۰-۸۳۱، راغب، ۱۳۷۴، ج ۴، صص ۳۵۸-۳۶۷، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، صص ۸۱-۸۲)

۲-۲-۲. نظارت از نظر اصطلاحی: در تعریف مصطلح «نظارت» به مجموعه‌ای گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۳۱) «نظارت» در مفهوم حقوقی عبارت است از بازرسی و سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان و ناظر کسی است که به منظور چنین بازرسی و ارزیابی و سنجشی تعیین می‌شود. (عمید زنجانی، موسی زاده، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵) از مجموع نظریات مختلف در تعریف «نظارت» می‌توان دریافت که در همه تعاریف، نظارت را نوعی آگاهی و اطلاع از آنچه در حال وقوع است دانسته‌اند. نظارتی که در این پژوهش مد نظر است، نظارت در معنای لغوی است و حضرت نیز در نظارت الهی در خطب سیاسی از معنای لغوی نظارت استفاده نموده است.

نظارت انواع مختلفی دارد که شامل نظارت الهی (که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته)، نظارت اجتماعی، نظارت درونی و نظارت متافیزیکی (ثبت اعمال از طریق فرشتگان الهی، نظارت قرآن، نظارت اعضاء و جوارح انسان بر انسان و ... است) می‌باشد. از ۲۳۵ خطبه سیاسی نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح) فقط شش خطبه به نظارت الهی توجه دارد که در این پژوهش به تبیین و تحلیل این خطبه‌ها پرداخته می‌شود. واژه دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد واژه نظارت است. البته خود واژه نظارت در شش خطبه مورد نظر به کار نرفته و از واژگان مترادف استفاده شده که در معنای نظارت است. در این پژوهش تمرکز بر واژگانی است که حضرت برای بیان نظارت الهی استفاده نموده‌است و برای درک بهتر و دقیقتر این مفاهیم علاوه بر بررسی معنای لغوی واژگان، از نظرات شارحانی مانند ابن

میثم بحرانی و مکارم شیرازی بهره برده تا این مفاهیم به طور کامل و دقیق مورد بررسی قرار گیرد. سپس به فضای فرهنگی-اجتماعی زمان صدور حدیث پرداخته و در انتهای هر بحث به اهداف نظارت الهی از منظر علی (علیه السلام) می پردازیم. در پژوهش حاضر از نسخه صبحی صالح استفاده شده است.

### ۳. انواع نظارت الهی و اهداف آن

#### ۳-۱. نظارت خداوند بر اجرای شریعت «خطبه ۱۹۹»

با نگاهی به «خطبه ۱۹۹» متوجه می شویم که حضرت در این خطبه از نظارت الهی صحبت می کند و آن را در سه واژه طبقه بندی می نماید: لطیف، لایخفی و احاط. ابتدا به مفهوم لغوی این سه واژه و تعاریف آن ها از دیدگاه برخی شارحان پرداخته و در ادامه به تحلیل این واژگان می پردازیم. در مضمون «خطبه ۱۹۹» بر شریعت و اجرای آن تاکید شده است. این خطبه بر اقامه نماز، برکات و نتایج زکات و مسئولیت ادای امانت دارد. در انتهای این خطبه از دانش الهی که سبب نظارت الهی بر اجرای شریعت از طریق انسان است سخن می گوید؛ برای فهم بهتر واژگان بیان شده در خصوص نظارت الهی، ابتدا معنای لغوی این سه کلمه را بررسی می شود. و سپس نظر دو شارح (مکارم و ابن میثم) بیان می گردد. «لایخفی» در (إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لَائِحْفَى عَلَيْهِ مَا الْعِبَادُ مُقْتَرُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ) (خطبه ۱۹۹ بند ۴) به معنی: مخفی در معنای زار، سر، پوشاندن، کتمان، غیرعلنی است. کلمه لایخفی به معنای پوشیده نماندن، آشکار شدن، به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۱۳-۳۱۴، ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۲۴۲، راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۱۸، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۶۷-۲۶۹) واژه دیگری که حضرت در خطبه ۱۹۹ در خصوص نظارت الهی مطرح نموده واژه «لطف» در (لَطْفٌ بِهِ خُبْرًا) است، این واژه در معنای دقیق، وقت شناس، مدارا کردن، پرداختن به کارهای دقیق، علم خدا به دقایق امور، درک کردن بیان شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۲۹، راغب، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۱۳۳، قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص ۱۸۹) احاطه نیز در (احاطه به علما) به معنای نظارت الهی می باشد که حضرت در خطبه ۱۹۹ از این واژه نیز استفاده نموده است. «احاطه» در معنای حفظ کردن، حافظ و نگهدارنده، علم، معرفت، آگاهی، تسلط و ... به کار رفته است. (راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۳ - ۵۶۴، زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۱۴۸، بستانی، ۱۳۷۵، ص ۱۹، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۱۹۶-۱۹۸)

مکارم در کتاب پیام امام بیان می دارد: «امام (علیه السلام) در این خطبه به سه موضوع مهم که از ارکان اوامر الهی است، اشاره فرمود: نماز و زکات و حفظ امانت، و در این بخش از خطبه به چیزی اشاره می کند که به منزله عامل اجرایی این دستورات مهم است و آن احاطه علمی پروردگار در همه حال نسبت به



انسان‌هاست. به تعبیر دیگر انسان هنگامی در پی اطاعت این اوامر است که احساس کند در همه حال در محضر خداست و چشم علم او ناظر همه احوال وی است همان‌گونه که قرار دادن مراقبین بشری در داخل شهرها و جاده‌ها مردم را به رعایت قوانین بشری دعوت می‌کند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۷۴۷) ابن میثم در شرح این فراز از خطبه می‌نویسد: «انسان ستمکار و بسیار نادان اعلام می‌کند که علم خداوند به همه احوال و دست‌آوردهای او در روز و شب، احاطه دارد، و او به دقایق اخبار وی آگاه و بد آنها داناست، و علم او به اعماق و باطن امور مانند علم او به ظاهر و آشکار آنهاست.» (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۴۷) مکارم در مورد فراز «لَطْفٌ بِهِ خُبْرًا» می‌نویسد: «با توجه به اینکه یکی از اوصاف پروردگار «لطیف» است و لطیف به کسی گفته می‌شود که به امور ظریف و دقیق آشناست ناظر به این معناست که حتی کوچک‌ترین و مخفی‌ترین اعمال بندگان از او پنهان نمی‌ماند: همه اینها به سبب آن است که علم خدا نسبت به همه اشیا، علم حضوری است، او همه جا حاضر و ناظر است و تمام عالم هستی، محضر خداست و به این ترتیب، چیزی بر او مخفی نمی‌ماند». (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۷۴۸) ابن میثم در مورد لطیف بیان می‌کند: «خداوند به دقایق اخبار انسان آگاه و به بد آن‌ها داناست. علم او به باطن امور مانند علم او به ظاهر امور است.» (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۴۸)

۱-۱-۳. فضای فرهنگی - اجتماعی زمان صدور «خطبه ۱۹۹»

«خطبه ۱۹۹» تشویق و سفارش حضرت به یارانش برای انجام بهتر فرائض و امانت الهی می‌باشد. مکارم می‌نویسد: «جمله ی «كَانَ يوصى بِهِ أَصْحَابَهُ» نشان می‌دهد که امام عليه السلام این سخن را در هر فرصت مناسبی تکرار می‌کرد و به یاران خود دربارهٔ به این چهار اصل مهم هشدار می‌داد. سزاوار است پویندگان راه امام عليه السلام نیز همین برنامه را ادامه دهند و خود و یاران خود را به این اصول چهارگانه نجات بخش، همواره توصیه کنند.» (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۷۲۱) یکی از رفتارهایی که رهبران جامعه برای ایجاد انگیزه دادن مردم برای جهاد در راه خدا داشته‌اند، تشویق به انجام واجبات است که جهاد نیز یکی از این امور واجب است و نظارت و دقت باری تعالی بر اموری که مردم انجام می‌دهند باعث بهتر انجام شدن کارها می‌گردد. این خطبه انگیزشی است برای رفتار و کردار بهتر و احساس مسئولیت بیشتر رزمندگان، به همین منظور حضرت چندین بار به نظارت الهی اشاره نموده‌است.

۲-۱-۳. هدف از نظارت خداوند در «خطبه ۱۹۹»

با توجه به مضامین «خطبه ۱۹۹»، این مطلب مشخص می‌گردد که خداوند بر اعمال عبادی و اخلاقی انسان نظارت دارد و هدف خداوند از این نظارت، مسئولیت‌پذیر ساختن انسان است. در بند سوم



«خطبه ۱۹۹» حضرت به ادای امانت اشاره می‌نماید. با توجه به آیه ۷۲ سوره احزاب، ایشان عرضه شدن این امانت به کائنات و عدم پذیرش آن را یادآور می‌شود که کائنات از پذیرش این امانت سرباز زدند اما انسان جاهل آن را پذیرفت در حالی که از عواقب تحمل امانت آگاهی نداشت و از کیفر آن نترسید. به همین دلیل خداوند خود ناظر بر اعمال انسان است تا این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهد و ترمذ نکند. حضرت با بیان سه واژه «لا یخفی، لطف و احاط» به پنهان نبودن اعمال انسان بر خدا و آگاهی دقیقش بر این اعمال و احاطه علمش بر انسان‌ها، این مسئولیت را به انسان گوشزد می‌نماید.

### ۲-۳. نظارت خداوند بر اعمال سیاسی اجتماعی و قدرت طلبانه انسان «خطبه ۱۰۲»

خداوند از طریق یادآوری معاد و قیامت به انسان هشدار می‌دهد که مراقب اعمال و رفتار خویش باشد و مراقب فتنه‌های سیاسی-اجتماعی باشد. مضمون این خطبه هشدار به شناخت فتنه‌ها و دوری از آنهاست. این نظارت، نظارتی است که خداوند بر انسان انجام می‌دهد تا او را از فتنه‌های سیاسی اجتماعی حفظ نماید. برای این نظارت، حضرت واژه «حساب» را به کار می‌برد. واژه حساب در (لِنَقَاشِ الْجِسَابِ وَ جِزَاءِ الْأَعْمَالِ) به معنای کفایت در اعطاء هر چیزی از علم و حفظ و جزا است. همچنین حساب به معنای محاسبه، شمارش، حسن التدبیر، نظارت، حسابرسی و اختیار نیز به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۴۹-۱۹۱، ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۹۲-۱۹۴، راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸۰-۴۸۶) مکارم در مورد این بخش از خطبه بیان می‌نماید که: بخش اول خطبه به حوادث سخت روز رستاخیز اشاره دارد، که خداوند همه انسان‌ها را برای رسیدگی به حساب دقیق و دادن پاداش و کیفر اعمالشان جمع می‌کند. در بخش دوم اشاره به فتنه‌های وحشتناکی دارد که همچون پاره‌های شب تاریک به انسان‌ها روی می‌آورند و آنها را در فشار شدید قرار می‌دهند و سرانجام گروهی از مجاهدان راستین، در برابر آنها به پا می‌خیزند. امام (علیه السلام) در این بخش مخصوصاً روی شهر بصره تأکید می‌کند و به فتنه‌هایی که دامن این شهر را می‌گیرد، اشاره می‌کند. تعبیر به «نقاش» که به معنای دقت در محاسبه است، نشان می‌دهد در آن روز کمترین و کوچک‌ترین اعمال مورد حساب قرار می‌گیرد و به آن پاداش یا کیفر داده می‌شود. با توجه به این که نقاش در کنار حساب قرار گرفته این معنی را می‌رساند که حساب روز قیامت بسیار دقیق است». (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۹۱) این میثم در خصوص این فراز بیان می‌دارد: «مراد از روز، روز رستاخیز، و معنای نقاش در حساب، با دقت تمام به حساب رسیدگی کردن است». (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱) حضرت برای دور کردن و نجات مردم از فتنه‌های سیاسی-اجتماعی آنها را به دقت در حسابرسی و وجود معاد و حساب و کتاب انداز می‌دهد. و در ادامه به وصف



قیامت می‌پردازد. علی علیه السلام از بی وفایی دنیا سخن می‌گوید و به مردم در خصوص حساب و کتاب آن روز هشدار می‌دهد این هشدار را با جمله (لِقَاشِ الْحِسَابِ وَجَزَاءِ الْأَعْمَالِ) بیان می‌نماید. حضرت با پرداختن به موضوع حسابرسی اعمال، نظارت الهی را به مردم یادآوری می‌فرماید تا مردم بصره دست از اعمال اشتباه خویش بردارند. نظارت در این خطبه نظارت سیاسی-اجتماعی بر اعمال قدرت طلبانه است. حضرت برای این کار از دو واژه فتنه‌ها و بی وفایی دنیا استفاده می‌کند. فتنه‌هایی که در راستای قدرت طلبی منجر به پیروی از دیگران می‌شود و آدمی را وادار به اطاعت از شخصی و امتناع از دیگری می‌نماید.

۳-۲-۱. فضای فرهنگی- اجتماعی زمان صدور «خطبه ۱۰۲»

این خطبه در سال ۳۶ هجری پس از جنگ جمل بر مردم بصره قرائت شد. (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۹۹) زیرا بصریون شیفته قدرت بودند و گرفتار فتنه‌های سیاسی-اجتماعی شدند، به همین سبب حضرت آنان را به خاطر رفتارشان توبیخ می‌نماید. حضرت در این خطبه خبر از آینده خونین بصره و پیروزی رزمندگانی مجاهد را می‌دهد. در این بخش از خطبه، امام علیه السلام مجدداً به پیشگویی دقیقی پیرامون یکی دیگر از فتنه‌هایی که در انتظار مردم عراق است و کانون آن بصره است، اشاره می‌کند تا شاید مردم با شنیدن آن، آمادگی دفاع بیشتری پیدا کنند و ضایعات و تلفاتشان در این فتنه کم شود و نیز از کیفر الهی که گاه به صورت فتنه‌ها ظاهر می‌شود، بترسند و راه راست را در پیش گیرند. حضرت علیه السلام می‌فرماید: «فتنه‌هایی است همچون پاره‌های شب تاریک، که هیچ کس نمی‌تواند در برابر آن بایستد و هیچ پرچمی از پرچم‌های آن به عقب رانده نمی‌شود (و شکست، دامن آنها را نمی‌گیرد)». ایشان اشاره دارد که گردانندگان این فتنه بسیار قوی و نیرومند هستند و حساب شده وارد میدان می‌شوند و فضای جامعه را تیره و تاریک می‌سازند. در تکمیل این معنا می‌افزاید: «این فتنه‌ها به سوی شما می‌آید، همچون شتری مهار شده و جهاز بر پشت نهاده که زمام دارش آن را می‌کشاند و سوارش به سرعت آن را می‌راند». جمعی آن قوم فتنه‌گر را طرفداران مردی به نام «صاحب الزنج» می‌دانند که نام اصلی‌اش «علی بن محمد» بود و خود را منتسب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کرد (هر چند انتساب او کاملاً مشکوک است) و گروهی از بردگان سیاه پوست را دور خود جمع کرد و به همین دلیل، لقب «صاحب الزنج» به معنای صاحب بردگان سیاه به او دادند. وی در نیمه قرن سوم به پا خاست و در اطراف بصره، آشوب و فتنه عظیمی بر پا نمود و بعد از ۱۲ سال، حکومت بر آن منطقه، به دست جمعی از مجاهدان کشته شد. بعضی دیگر آن را اشاره به فتنه «مغول» می‌دانند که نه تنها سرزمین عراق، بلکه بخش‌های عظیمی از جهان اسلام را زیر پوشش خود قرار داد و بعد از مدت طولانی، فتنه آنها به وسیله جنگجویان اسلام





خاموش شد. امام (علیه السلام) برای نشان دادن آمادگی فتنه‌گران از هر نظر، فتنه آنان را به شتری تشبیه می‌کند که افسار بر دهان و جهاز بر پشت دارد و کاملاً تسلیم کسی است که سوار بر آن است. گروهی آن را به حوادث «آخر الزمان» تفسیر کرده‌اند که فتنه‌گرانی به پا می‌خیزند که نه تنها سرزمین عراق بلکه مناطق وسیعی را زیر ضربات شدیدترین فتنه‌ها قرار می‌دهند و سرانجام به دست سپاهیان مهدی (علیه السلام) که از مجاهدین فی سبیل الله هستند، از میان می‌روند. (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۹۹-۴۰۰)

۳-۲-۲. هدف از نظارت در «خطبه ۱۰۲»

زمانی که مضمون (خطبه ۱۰۲) و نوع نظارتی که حضرت بیان نموده مورد بررسی قرار می‌گیرد. (و ذلك يوم الله في الأولين والآخرين لنقاش الحساب وجزاء الأعمال...) (خطبه ۱۰۲)، مشخص می‌گردد که هدف از این نوع نظارت گسترش عدالت و قیام علیه باطل و ظلم می‌باشد. حضرت در این خطبه به مردم بصره هشدار می‌دهد که اگر دست از ظلم و جور بر ندراید در قیامت به حسابتان رسیدگی خواهد شد و مورد بازخواست دقیق قرار خواهید گرفت. حضرت از مردم می‌خواهد از بی وفایی دنیا و جاودانگی قیامت عبرت بگیرند و به گسترش عدالت و قیام علیه ظلم بپردازند. حضرت به آنان آگاهی می‌دهد که با پیروی از فتنه‌ها از رهبر حق دور شده و به رهبر باطل گرایش پیدا نموده‌اند.

۳-۳. نظارت خداوند بر انحرافات و اخلاق جاهلی «خطبه ۱۹۲»

حضرت در «خطبه ۱۹۲» با به کارگیری از پنج واژه «خبر» (قَدْ اخْتَبَرَهُمُ اللهُ بِالْمَحْمَصَةِ)، «علم» (هُوَ الْعَالِمُ بِمُضْمَرَاتِ الْقُلُوبِ وَ مَحْجُوبَاتِ الْغُيُوبِ)، «ابتلا» (وَ ابْتَلَاهُمْ بِالْمَجْهَدَةِ)، «امتحان» (وَ امْتَحَنَهُم بِالْحَاوِفِ) و «حرس» (مَا حَرَسَ اللهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ) مردم را از اخلاق جاهلی دور می‌نماید و به فضایل اخلاقی نزدیک می‌سازد. واژه خبر در این خطبه به معنای عالم، خبر دادن، علم، آزمایش، اختبار، شناخت، آگاهی، معرفت و آگاه کننده به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۵۸، اسماعیل بن عماد، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۳۵، ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۳۹، راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷۷) کلمه حرس نیز به معنای حفاظت، نگهبانی، پاسداری و حراست در مفهوم نظارت بیان گردیده است. (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۹۱۶، راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶۹، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۹) همچنین واژه امتحان که در این خطبه استفاده شده به معنای اختبار، آزمایش، امتحان، آزمودن، ابتلاء و مراقبت به کار رفته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۰۲، راغب، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۰۶، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۴۰۱، اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳).



حضرت در این خطبه بیان می‌نماید که خداوند از طریق نظارت بر واجبات، انسان را از کبر و غرور دور می‌سازد. به عبارت دیگر خداوند از طریق آزمایش انسان به انواع سختی‌ها و مشقت‌ها او را از کبر و غرور و سرکشی نجات می‌دهد. زیرا انسان به خاطر توانمندی‌هایش دچار غرور و تکبر می‌شود و به مردم فخر می‌فروشد. اما از طریق سختی‌ها و مصائب و مشکلاتی که در مسیرش قرار می‌گیرد، متذکر شده و به شکرگذاری پرداخته و از کفران نعمت دوری می‌نماید. بنابراین خداوند انسان را امتحان نموده و از انسان‌ها می‌خواهد تا به زندگی گذشتگان دقت نموده و از آنان عبرت بگیرند که چه چیزی باعث غرور گذشتگان و سبب نابودی آنان شده است و به این طریق از انسان‌ها حراست و حفاظت می‌نماید. انسان وقتی به زندگی گذشتگان توجه می‌نماید، متوجه می‌شود که چه عواملی باعث غرور آنان و مانع پذیرش توحید و یگانگی خداوند شده است. (کلینی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۰۷) مکارم در شرح این خطبه، بیان می‌نماید: «این خطبه متضمن نکوهش ابلیس می‌باشد به جهت تکبر ورزیدن و ترك سجده برای آدم علیه السلام و این که او نخستین کسی است که تعصب و تکبر را ظاهر ساخت و نیز امام علیه السلام در این خطبه مردم را از پیمودن راه و رسم ابلیس (و تعصب و تکبر) بر حذر می‌دارد». (مکارم ۳۵۱/۷) مکارم در توضیح این فراز (قَدْ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَحْمَصَةِ) می‌نویسد: «خداوند، انسان‌ها را به انحاء مختلف امتحان می‌کند؛ گاه با نعمت و گاه با بیماری و گاه با سلامت و گاه با عزت و گاه با سلب عزت، آزمایش می‌کند». (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۴۰۱) ابن میثم در شرح این خطبه بیان می‌دارد: «این خطبه کبر و خودپسندی و پیامدهای شوم آن، که بی‌اعتنایی به حقایق و تعصب جاهلانه در برابر غیر خداست، مورد نکوهش و مذمت واقع شده است تا برای جامعه‌ی انسانی درسی باشد که خلاف آن را اختیار کنند یعنی متواضع و نرم‌خو باشند». ابن میثم در ادامه می‌نویسد: «خداوند آن‌ها را در سختی گرسنگی آزمود». (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۵۶) «وَلِلَّهِ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ» (خطبه ۱۹۲ بند ۹) این فراز شاهد دیگری است که نظارت الهی را در آزمایش انسان تأیید و تأکید می‌نماید. این بخش از خطبه نیز به مشکلات و مصائبی پرداخته می‌شود که معمولاً انسان‌ها در جوامع به آن مبتلا می‌گردند. حضرت مجدد انسان را متوجه این مصائب کرده و خواهان صبر و تحمل انسان‌ها در مقابل آن است. ایشان می‌فرماید این مشکلات برای آزمایش انسان‌هاست تا خوب و بد از هم تشخیص داده شوند. همانطور که در فراز قبلی نیز بیان شد از غرور و تکبر نیز انسان را برهاند؛ او را به توحید و یگانگی خدا سوق دهد و باعث رشد و هدایت فرد گردد. در مورد (مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ) ابن میثم می‌نویسد: «خداوند بندگان را از ظلم



و کید شیطان حفظ و حراست نموده است تا اعضاء و جوارحشان از کبر و نخوت دور شود». (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۵۹) مکارم در این باره بیان می‌دارد: «خداوند، بندگان با ایمان خود را با نمازها و زکات‌ها و مجاهدت‌ها به وسیله روزه واجب (از بغی و ظلم و کبر) حراست فرموده تا اعضا و جوارحشان آرام شود؛ چشمانشان خاضع، و نفوس آنان رام گردد؛ قلبهایشان خضوع پذیرد و تکبر را از آنان بزدايد این حراست به خاطر لطف خداوند نسبت به مؤمنان است به سبب طاعات و تعبدشان». (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۴۳۵) خداوند برای حفاظت از بندگان خویش از تکبر و نخوت، آنان را تشویق به نماز و زکات و روزه نموده است و این کار به سبب سر بر خاک نهادن باعث تواضع و خشوع انسان می‌گردد و انسان را از وسوسه‌ها و گناهان نجات می‌دهد. شاهد دیگر (هُوَ الْعَالَمُ الْمُضْمَرَاتِ الْقُلُوبِ وَ مَحْجُوبَاتِ الْغُيُوبِ) «خطبه ۱۹۲» است. ابن میثم در این باره بیان می‌دارد: «و هو العالم... الغیوب، این جمله که در میان فقال سبحانه... و ائی خالق معترضه است و حکایت از علم خداوند نسبت به آنچه در دلها پوشیده و در پرده غیب نهان است، می‌کند، خود قرینه بر این است که آزمایش در این جا به معنای حقیقی نیست بلکه مجاز است چنان که بیان گردید و عبارت فقوا له ساجدین امر به سجده کردن است که با آن ملائکه مورد آزمایش قرار گرفتند». (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۰۷) مکارم در این زمینه شرح می‌دهد که به یقین، آزمون خدا با آزمون بندگان متفاوت است؛ ما هنگامی که چیزی یا کسی را می‌آزماییم می‌خواهیم جهل خود را درباره آن تبدیل به علم کنیم، لذا از آن تعبیر به اختبار (خبر گرفتن و خبردار شدن) می‌کنیم؛ ولی خداوند که طبق جمالات بالا عالم به مکنونات دلها و محجوبات غیوب است هرگز نمی‌خواهد با آزمایش‌های خود چیزی بر علمش بیفزاید، بلکه آزمایش او برای این است که نیات باطنی و خلقیات درونی و اسرار مخفی بندگان در لباس افعال ظاهر گردد تا مستحقّ جزا شوند، زیرا نیت به تنهایی برای این معنا کافی نیست، آنچه برای ثواب و عقاب لازم است انجام اعمال است. (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۵۳) واژه دیگر مستعمل در این خطبه امتحان است. ابن میثم در این باره شرح می‌دهد که خداوند انسان‌ها را با مشکلات و سختی‌ها (شقاوت دنیایی، گرسنگی، ترس...) به خاطر تنفر از دنیا و اقبال به سمت پروردگار امتحان و آزمایش می‌نماید. (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۷۱) مکارم می‌نویسد: «واحد امتحانی خداوند، بی شمار است؛ گاه با نعمت و گاه با نعمت، گاه با بیماری و گاه سلامت و گاه با عزّت و گاه سلب عزّت، آزمایش می‌کند». (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۴۰۱). (وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَتْلِي خَلْقَهُ بَعْضَ مَا يَجْهَلُونَ أَسَلَهُ تَمِيْزًا بِالِاخْتِبَارِ هُمْ) شاهد مؤید بر مفهوم قبلی است. در بند سوم این خطبه می‌فرماید: ابتلاء و آزمایش سبب دوری از



کبر و عبرت آموزی می‌گردد و برای تشخیص خوب از بد و حق از باطل است. (وَابْتَلَاهُمْ بِالْحَبِیْرَةِ) نیز در راستای همین مفهوم به کار رفته است. (شارحان منتخب، مفهوم این فراز را آزمایش انسان‌ها برای تشخیص حق از باطل و نفی استکبار و دوری از کبر و نخوت بیان نموده‌اند). (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۴۱)، (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۴۰۱).

### ۱-۳-۳. فضای فرهنگی - اجتماعی زمان صدور «خطبه ۱۹۲»

حضرت علی (علیه السلام) در سال ۴۰ هجری در حالی که سوار بر اسب بود، این خطبه را ایراد فرمود. حضرت در خطبه قاصعه که طولانی‌ترین خطبه نهج البلاغه است. ارزش‌های جاهلی را کوچک و حقیر می‌شمرد. در مورد علت صدور این خطبه شریفه، آمده است که در اواخر خلافت حضرت که اهل کوفه به فتنه و فساد گرویده بودند، بسیار اتفاق می‌افتاد که شخصی از سرزمین قبیله خود خارج شده و گذارش به قبیله دیگری می‌افتاد و در آنجا گاهی از بعضی افراد آزرده می‌شد، در این هنگام با داد و فریاد قبیله‌ی خود را به مدد می‌طلبید، از باب مثال با صدای بلند ندا می‌کرد: آی قبیله نخع! آی کنده!، در حالی که هدفش ایجاد آشوب و فتنه بود، در این هنگام بر اثر این سر و صدا چند نفر از جوانان این قبیله بیرون می‌آمدند و اهل قبیله‌ی خود را صدا می‌زدند، عده‌ی دیگری جمع می‌شد و پس از ردّ و بدل کردن سخنان زشت او را مجروح می‌کردند و سپس او که با سر و وضع خون‌آلود به قبیله‌ی خود می‌آمد شکایت می‌کرد و به این سبب فتنه و آشوب بر پا می‌شد و عده‌ای به علت بر خورد چند نفر کم خرد کشته می‌شدند. و چون این عمل بارها تکرار شد، امام (علیه السلام) به میان مردم آمد و این خطبه را ایراد فرمود. (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۴۰۱) در مورد شأن ورود این خطبه چنین گفته‌اند که در اواخر دوران خلافت امام (علیه السلام)، بر اثر فراوانی ثروت و انتقال فرهنگ فاسد بعضی از همسایگان به کشور اسلامی و مشکلاتی که در عصر خلفا در جامعه اسلامی به وجود آمد، اهل کوفه گرفتار مفاصد زیادی شده بودند که مهم‌ترین آن برتری‌جویی قبائل بر یکدیگر و تعصبات جاهلی بود تا آنجا که گاه جوانان جلف و بی‌بندوبار با یکدیگر درگیر می‌شدند و هرگاه یکی از آنان مجروح یا مضروب می‌شد فریاد بلند می‌کرد و اهل قبیله خود را به یاری می‌طلبید آنها نیز چشم و گوش بسته به یاری او می‌شتافتند و چه بسا در این میان خونهای زیادی ریخته می‌شد. امام (علیه السلام) برای خاموش کردن آتش این فتنه‌ها این خطبه را که همه آن درباره مذمت و نکوهش تکبر و تعصبات جاهلی بیان نموده است. این خطبه، خطبه‌ای است بسیار فصیح و بلیغ و کوبنده و تکان‌دهنده است و به همین دلیل نام آن را خطبه قاصعه (کوبنده) نهاده‌اند هرچند کلمه قاصعه در این خطبه به کار نرفته است. (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۵۲)

با بررسی به خطبه قاصعه این امر مسلم می‌گردد که تمام بخش‌های این خطبه یک محور اساسی دارد و آن کوبیدن تعصب‌های جاهلی و تکبر و خود برترینی، خصوصاً تعصبات قومی و قبیله‌ای است که سرچشمه بسیاری از اختلافات و نابسامانی‌ها و مفاسد اجتماعی است و دقت در محتوای خطبه و همچنین شأن ورود آن این حقیقت را روشن می‌سازد. (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۵۳) خطبه قاصعه به عبرت آموزی از گذشتگان و مجازات و عواقبی که خداوند برای آنان در نظر گرفته اشاره می‌نماید و این که همه انسان‌ها به نوعی امتحان و آزمایش می‌شوند تا نیکوکار از بدکار مشخص گردد. هدف از این نظارت مقابله با سرکشی و غرور است. خداوند انسان‌ها را با انواع شدائد و مشکلات امتحان می‌نماید تا انسان به داشته‌های خویش مغرور نگردد و خود را از دیگران برتر نداند؛ و در پیشگاه پروردگار متواضع و فروتن باشد و اقرار به توحید و یگانگی خداوند نماید. خداوند از طریق امر به انجام واجبات از انسان‌ها محافظت می‌نماید و بر آنان نظارت دارد تا دچار سرکشی نشوند. انسان با عبرت و پند گرفتن از گذشتگان که به دلیل کبر و غرورشان به مجازات و عقوبت‌های سنگینی دچار شدند، می‌تواند به تعقل و تفکر بپردازد و علاوه بر نظارت الهی به نظارت درونی خویش نیز پی ببرد.

#### ۳-۴. نظارت خداوند بر اجتماعات انسانی و تمدن‌ها «خطبه ۱۰۳»

واژه دیگری که در معنای نظارت استفاده شده ابتلاء است. این واژه در معنای آزمایش، تجربه، اختبار، گزینش، آگاهی یافتن از طریق آزمایش، تکلیف، بلاء و امتحان به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۲۸۵، جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۳۴۰، راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۳) «خطبه ۱۰۳» با شیوه توییخی و با بیان مذمت دنیا و مخاطب قرار دادن انسان شروع شده است. در ادامه این خطبه، به ارزش انسان‌های عالم و بی‌ارزشی انسان‌های جاهل پرداخته و در بند آخر خطبه به مسائل سیاسی روز به طور عام پرداخته شده است. در خصوص فساد و ظلم در جامعه حضرت می‌فرماید که خداوند مردم آن جامعه را آزمایش می‌نماید تا انسان عالم و جاهل و نیکوکار و بدکار از همدیگر تشخیص داده شوند و امتحان خدا به منزله ظلم به بندگان محسوب نمی‌گردد. (و ان کُنَّا لَمُبْتَلِینَ، هرآینه ما مردم را می‌آزماییم) این خطبه سیاسی، اعتقادی، اخلاقی است. ابن میثم در مورد این فراز از «خطبه ۱۰۳» (و ان کُنَّا لَمُبْتَلِینَ) بیان می‌نماید: «هرکس در مقابل آزمایش پروردگار شکیبایی نماید، سود برده است». (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۶) مکارم در این باره بیان می‌دارد: «این آزمایش از زمان حضرت آدم تا به حال بوده و برای تشخیص خبیث از طیب آورده شده است». (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۲۳) خداوند این آزمایش را برای تشخیص نیکوکار از بدکار، حق از باطل، صابر از غیر صابر و خبیث از طیب بیان نموده است.





## ۱-۴-۳. فضای فرهنگی - اجتماعی زمان صدور خطبه ۱۰۳

«خطبه ۱۰۳» در مورد روش برخورد با دنیا و شناخت انسان‌ها و عبرت گرفتن از حوادث دنیا صحبت می‌نماید. حضرت علی علیه السلام در این خطبه به انسان پند و اندرز می‌دهد به عبرت گرفتن از دنیا، و کسی که عبرت گیرد و پند بیاموزد، بینا می‌شود؛ به جای ظواهر اشیا و حوادث، باطن آنها را می‌نگرد و به ریشه‌ها و نتیجه‌ها فکر می‌کند و لذا راه نجات را در سایه این تفکر و عبرت و بینایی پیدا می‌کند. و به تعبیر دیگر، انسان با تفکر و اندیشه در حوادث امروز و دیروز، با یک سلسله حقایق آشنا می‌شود و با منطبق ساختن آن‌ها بر اموری که در پیش دارد، راه صحیح را پیدا می‌کند. زمانی که فساد جامعه را فرا می‌گیرد و مدیران و سرمداران اجتماع، افراد فاسد و آلوده هستند، افراد مؤمن و با شخصیت، اگر چهره‌های شناخته شده‌ای باشند، جباران آنها را رها نمی‌کنند؛ یا باید تسلیمشان شوند و در ردیف کارگزاران آنها قرار گیرند و یا در صورت مقاومت و امتناع، آنها را از میان بر می‌دارند. بنابراین، مصلحت افراد مؤمن و با شخصیت در این است که گمنام و دور از شهرت زندگی کنند، تا کسی به سراغ آنها نیاید. در عین حال این گمنامی ظاهری، چیزی از مقام آنها نمی‌کاهد و نقش معنوی خود را در جامعه خواهند داشت؛ از این رو امام علیه السلام در ادامه سخن می‌افزاید: «آنها چراغ‌های هدایت و نشانه‌هایی برای حرکت در شب‌های تاریک رهروان راه حق هستند». این تعبیر نشان می‌دهد که در آن زمان سخت و طوفانی، خداوند عنایتش را از مؤمنان راستین، که هدایتگر دیگرانند بر نمی‌گیرد و آنان را از شر ظالمان، حوادث دوران و مشکلات زمان حفظ می‌کند. (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۴۲۴)

## ۳-۴-۲. هدف از نظارت در خطبه ۱۰۳

با بررسی و دقت نظر در «خطبه ۱۰۳» هدف از نظارت الهی، اصلاح‌گری و فسادستیزی در جامعه است؛ زیرا حضرت علی علیه السلام مردم را دعوت به تفکر نموده و از انسان‌ها می‌خواهد تا به دنیا دل نبندند، و اسیر دنیا نشوند و از دنیا درس عبرت بگیرند. حضرت در این خطبه به ارزش انسان عالم در مقابل انسان جاهل پرداخته و از انسان می‌خواهد تا عالمانه علیه ظلم و استبداد بایستد و با فساد مبارزه نماید. ایشان با اشاره به آیه ۳۰ سوره مومنون به مردم آگاهی می‌دهد که خداوند بر اعمال آنان نظارت دارد و آنان را مورد آزمایش و امتحان قرار می‌دهد تا مردم جاهل از عالم شناخته شوند. خداوند درهای رحمت خویش را به روی انسان‌های مومن و عالم که نه فتنه انگیزند و نه اهل فساد، باز خواهد کرد و سختی عذاب خویش را از آنان خواهد گرفت.

### ۳-۵. نظارت خداوند بر قدرت‌ها و حکام (خطبه ۱۰۸ و ۹۷)

«خطبه ۱۰۸» در مورد علل انحراف بنی امیه و مسخ ارزش‌ها در حکومت بنی امیه صحبت می‌کند و نظارت الهی بر حاکمان و قدرت‌ها را بیان می‌دارد. همچنین کوفیان را مورد نکوهش قرار داده و آنان را به نظارت الهی متذکر ساخته و لزوم اطاعت از پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) را به آنان یادآور می‌شود. در این خطبه و خطبه ۹۷ واژگان علم و احاطه و مرصاد به نظارت الهی اشاره دارد. واژه‌های «علم» و «احاطه» قبلاً مورد بررسی لغوی قرار گرفته‌اند. واژه «مرصاد» (وَهُوَ كَلِمَةٌ بِالْمِرْصَادِ) به معنای نگهبان، نگهبانی، حافظ، مراقبت کردن، چیزی را در نظر گرفتن، کمین کردن، مخفی نماندن چیزی یا کاری بیان گردیده است. (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۹۷، ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۷۸، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۰۱، مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۵۰-۱۵۲) ابن میثم و مکارم بیان می‌دارند که خداوند بر اندیشه‌های پیچیده و نهفته‌های باطن موجودات احاطه دارد (أَحَاطَ بِغُمُوضِ عَقَائِدِ السَّرِيرَاتِ) به این معناست که دقیق‌ترین رازهای درون دلها را می‌داند. (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۷۰) (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۵۱۲)

ابن میثم بیان می‌دارد که: «هر چه در عالم ظاهر وجود دارد نمونه و مثالی از امر پوشیده در عالم غیب است. علم خداوند اعماق پرده‌های غیب را می‌شکافد، و این بیان اشاره دارد به این که دانش او هر پنهان و نادیده را فرا می‌گیرد به گونه‌ای که هیچ چیز از او پوشیده نیست و هیچ حاجبی مانع نفوذ علم او نیست». (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۶۲) خداوند بر انحراف بنی امیه و سستی کوفیان نظارت دارد. انحراف بنی امیه باطنی است؛ زیرا علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بنی امیه ارزش‌ها را مسخ کردند». بنی امیه به عنوان حاکمان جامعه مورد نظارت الهی قرار می‌گیرند و حضرت آنان را از ظلم و ستم و فساد برحذر می‌دارد و به آنان تذکر می‌دهد که خداوند به رفتار شما عالم است و به امورتان احاطه دارد و بر شما نظارت می‌نماید. از آنان می‌خواهد که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) را الگو و اسوه قرار دهند و از آنان پیروی می‌کنند. در «خطبه ۹۷» نیز حضرت با استفاده از واژه مرصاد حاکمان را مورد خطاب قرار داده و به آنان گوشزد می‌نماید که خداوند مراقب شماست و بر شما نظارت دارد. مبادا به مردم ظلم و ستم نمایید. ابن میثم نیز مرصاد را مراقبت کننده معنا کرده و می‌نویسد: «با توجه به قرینه جمله منظور اینست که خداوند ستمگران را مؤاخذه می‌کنند». (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۴۹) مکارم مرصاد را به معنی کمینگاه گرفته و می‌نویسد: «این فراز به معاویه و یارانش اشاره دارد که حضرت لشکریان معاویه را مورد نکوهش قرار می‌دهد». (مکارم، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۹۶)

۳-۵-۱. فضای فرهنگی- اجتماعی زمان صدور خطبه ۱۰۸ و ۹۷

«خطبه ۱۰۸» که یک خطبه سیاسی- اعتقادی می‌باشد، در شهر کوفه و در مورد حوادث سخت آینده بیان شده است. حضرت در خطبه «۱۰۸» علم خدا را ناظر به اندیشه‌های پیچیده انسان می‌داند، که این نظارت باعث توجه بیشتر انسان به اعمال و رفتار و میگردد تا مردم در رفتار و اعمال خویش تجدیدنظر نموده و پیرو رهبران صالح جامعه گردند. خطبه «۹۷» (أَحَاطَ بِغَمُوضِ عَقَائِدِ السَّرِيرَاتِ) در آستانه یکی از جنگ‌ها ایراد شد. محتوای این خطبه عبادی، اعتقادی است اما چون در آستانه یکی از جنگ‌ها ایراد شده خطبه سیاسی نیز محسوب می‌گردد. حضرت در این خطبه به نماز و آثار آن، ارزش زکات و مسئولیت ادای امانت اشاره می‌نماید و در انتهای خطبه می‌فرماید که تمام رفتارهای انسان بر خدا پنهان نیست و خداوند به رفتار و اعمال ما احاطه دارد (وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمًا) با توجه به اینکه شأن ورود این خطبه - به گونه‌ای که شارحان نهج البلاغه نوشته‌اند - جریان سرپیچی مردم کوفه از فرمان علی (علیه السلام) جهت مقابله با لشکریان غارتگر معاویه بعد از واقعه جنگ نهروان بوده است. امام در بخش اول این خطبه، مردم متمرّد کوفه را با لحنی شدید عتاب و سرزنش قرار می‌دهد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است. حضرت به این امید که غیرت مردم کوفه به جوش آید و آماده نبرد با ظالمان شوند، آنها را با شلاق‌های توبیخ می‌نوازد و از تعبیرات مختلف، برای بیدار کردن آنها از خواب غفلت بهره می‌گیرد. مقصود از همه این توبیخ‌ها و سرزنش‌ها آن است که پیش از سیطره ظالمان بی‌رحم، بر جان و مال و ناموس آنها و بر حکومت اسلامی، به خود آیند و به پا خیزند و آتش فتنه را خاموش و دست ظالمان را از قلمرو حکومت اسلامی کوتاه کنند. مکارم، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۹۱)

۳-۵-۲. هدف از این نظارت

با بررسی این دو خطبه می‌توان دریافت هدف از این نظارت مبارزه با حکام فاسد و ظالم است. حضرت به مردم تذکر می‌دهد که برای مبارزه با ظلم و ستم قیام کنند و از خواب غفلت بربیزند؛ آنها را نسبت به حوادث سخت آینده برحذر می‌دارد تا جلوی فساد حکام را گرفته شود. حضرت با استفاده از کلماتی چون مرصاد به حکام نیز گوشزد می‌نماید که خداوند در کمین و مراقب آنان است و باید مراقب اعمال و رفتار خویش باشند و به مردم ظلم ننمایند؛ به آنان تذکر می‌دهد که خداوند به اعمال و رفتارشان علم و احاطه دارد و آنان را مورد محاسبه قرار می‌دهد.



#### ۴. نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل خطب سیاسی نهج البلاغه نتایج ذیل قابل ذکر است. علی علیه السلام برای آگاهی و تقویت بینش مردم و عدم قدرت‌گرایی و سوء استفاده از موقعیت، از مفاهیم نظارتی استفاده نموده‌اند. انواع نظارتی که در نهج البلاغه بیان شده شامل: نظارت الهی مانند (وَاحَاطَ بِهِ عِلْمًا) (خطبه ۹۷)، نظارت اجتماعی مانند (فَاعْمَلُوا، وَالْعَمَلُ يَرْفَعُ) (خطبه ۲۳۰)، نظارت متافیزیکی مانند (أَنَّ عَلَيْكُمْ رِصْدًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ) (خطبه ۱۵۷)، نظارت درونی مانند (زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُزَنُّوا) (خطبه ۹۰) است. از بین ۲۳۵ خطبه سیاسی، فقط شش خطبه، به نظارت الهی اشاره دارد که در این پژوهش به آن پرداخته شده‌است.

با توجه به بیانات حضرت، دو نوع نظارت الهی مطرح شده است: نظارت عامه و نظارت خاصه. یک. نظارت عامه: منظور از نظارت عامه؛ نظارت خداوند بر همه انسان‌هاست. خواه مردم عادی، خواه مسئولین و کارگزاران. در این نوع نظارت از واژگانی چون «لایخفی، احاط، لطیف، حساب، امتحان، اختبار، عالم، حارس و ابتلاء» استفاده شده‌است. این واژگان در خطبه‌های (۱۰۲، ۱۰۳، ۱۹۲ و ۱۹۹) مورد بررسی قرار گرفت. هدف از این نوع نظارت؛ برخورداری مردم از اخلاق و کمالات انسانی، اجرای شریعت، مقابله با غرور و سرکشی، رعایت حقوق افراد و مبارزه با ظلم است.

دو. نظارت خاصه: منظور از نظارت خاصه، نظارت خداوند بر حکام و کارگزاران است. در این نوع نظارت از واژگانی چون «احاط، مرصاد» استفاده شده است. این واژگان در خطبه‌های (۱۰۸ و ۹۷) مورد بررسی قرار گرفت. هدف از این نوع نظارت؛ فسادستیزی، اجرای عدالت، حفظ قدرت سیاسی اسلام و مهار قدرت سیاسی ناهالان است.

نظارت الهی را به لحاظ تنوع مخاطبین نیز می‌توان به سه قسم تقسیم نمود: ۱. نظارت بر عموم مردم اعم از کافر و مومن: در خطبه‌های (۱۰۲، ۱۹۲، ۱۹۹) اشاره شده است که خداوند انسان‌ها را با انواع شدائد و مشکلات امتحان می‌نماید تا انسان به توانمندی‌های خویش مغرور نگردد و خود را از دیگران برتر نداند و در پیشگاه پروردگار، متواضع و فروتن باشد و اقرار به توحید و یگانگی خداوند بنماید. خداوند از طریق امر به انجام واجبات از انسان‌ها محافظت می‌نماید و بر آنان نظارت دارد تا دچار سرکشی نشوند. ۲. نظارت بر مؤمنان: در خطبه (۱۰۳) بیان شده است که در آن زمان سخت و طوفانی، خداوند عنایتش را از مؤمنان راستین که هدایتگر دیگرانند بر نمی‌گیرد و آنان را از شرّ ظالمان، حوادث دوران و

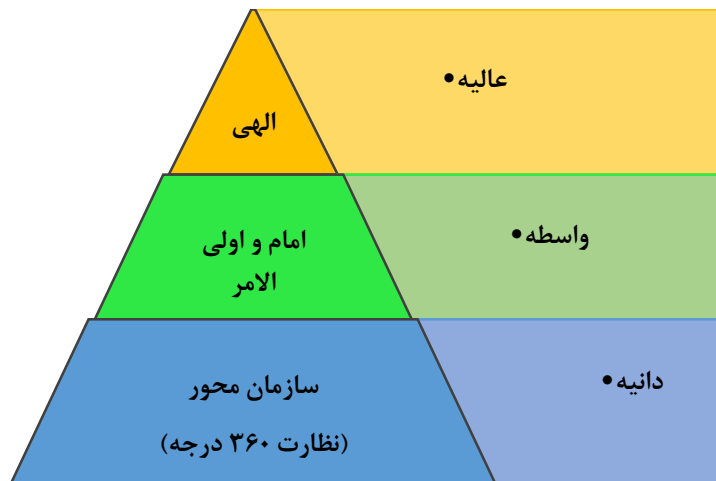


مشکلات زمان حفظ می‌کند. ۳. نظارت بر کافران: در خطبه (۹۷ و ۱۰۸) به این مطلب اشاره شد که خداوند بر انحراف بنی امیه و سستی کوفیان نظارت دارد. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بنی امیه ارزش‌ها را مسخ کردند». بنی امیه به عنوان حاکمان جامعه، مورد نظارت الهی قرار می‌گیرند و حضرت آنان را از ظلم و ستم و فساد برحذر می‌دارد و به آنان تذکر می‌دهد که خداوند بر رفتار شما عالم است و به امورتان احاطه دارد و بر شما نظارت می‌نماید.

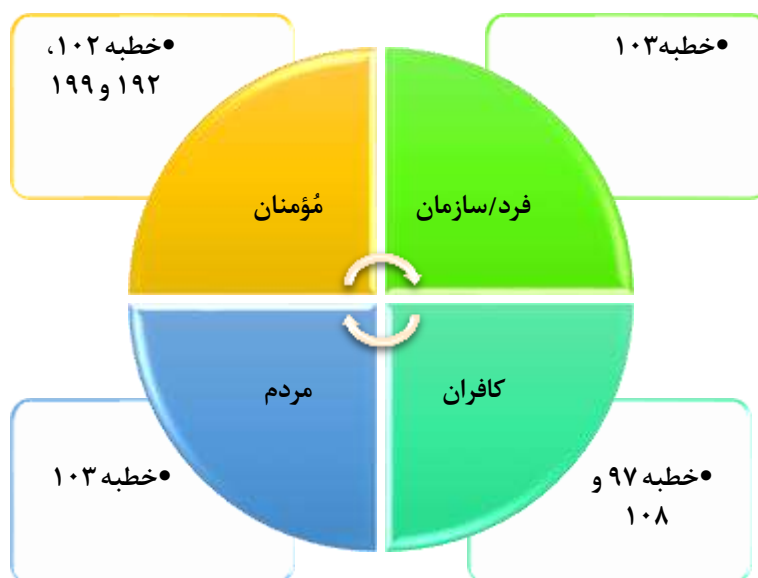
با توجه به انواع نظارت اشاره شده در نهج البلاغه، می‌توان نتیجه گرفت نظارتی که حضرت در نهج البلاغه بیان نموده، نظارتی سلسله‌مراتبی و همه‌جانبه به این شرح است: ۱. نظارت الهی ۲. نظارت واسطه‌ای ۳. نظارت فردی (نظارت فرد بر خویشتن) ۴. نظارت اجتماعی یا سازمانی.

در این زمینه، تئوری جدید با ویژگی همه‌جانبگی در مدیریت (البته در سطح سازمان)، با عبارت ۳۶۰ درجه بیان شده است با این بیان که ارزیابی ۳۶۰ درجه، اطلاعات ورودی بازخورد را از یک رویکرد تک بعدی بالا به پایین به رویکرد چند بعدی (زیردستان، همکاران، مشتریان) عمومیت می‌بخشد و می‌تواند یک ارزیابی بدون مرز باشد. این فرآیند نیز دارای ۴ عنصر اصلی است. ارزیابی بالا به پایین، ارزیابی پایین به بالا، بازخورد همکاران، خود ارزیابی (تونی پیکاک، ۱۳۹۳ ش). نظارت ۳۶۰ درجه فارغ از رویکرد نظارت بالا به پایین که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد (نظارت الهی) دیدگاهی چند بعدی و تعمیم یافته به مقوله نظارت دارد و با تئوری اخیر مدیریتی سازگارتر است اما ضعف مهم آن این است که نظارت را صرفاً در چارچوب محدود سازمان به تصویر می‌کشد. برای رفع این نقیصه و بر اساس شناختی که از انواع نظارت در نهج البلاغه حاصل می‌شود، مقایسه آن با مفاهیم نظریه متاخر و سازمان محور مدیریت و نظریه های نظارت در علم مدیریت که بازخورد ۳۶۰ درجه است، می‌توان ساختاری هرمی را برای موضوع نظارت از دیدگاه نهج البلاغه مطرح نمود که در مدل سلسله‌مراتبی (هرمی) به تصویر کشیده شده است (شکل ۱). بر این اساس در محور عمودی نظارت از مرتبه دانه که نوعی نظارت سازمان محور است و در نظریه های مدیریت به آن پرداخته می‌شود به مراتب بالاتر یعنی مرتبه واسطه (امام و اولی الامر) و مرتبه عالی که نظارت الهی است، به تصویر کشیده می‌شود.

همچنین در سطح دانه (سازمان محور) نیز نوعی مدل ۳۶۰ درجه برخاسته از مفاهیم نهج البلاغه حاصل می‌شود که در آن علاوه بر رویکرد ۳۶۰ درجه در علم مدیریت که صرفاً سازمان محور است (زیردست، همکار، مشتری)، جامعه و اجتماع را دخالت می‌دهد و لذا نسبت به نظریه ۳۶۰ درجه از جامعیت و شمول بیشتری برخوردار است (شکل ۲).



شکل ۱. مدل سلسله مراتبی نظارت



شکل ۲. دیدگاه ۳۶۰ درجه در سازمان/جامعه

## منابع

## .قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸م، *جمهره اللغه*، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغه*، ج ۲-۵، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، ج ۳، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
۵. ابن میثم، میثم بن علی، ۱۳۷۵ش، *شرح نهج البلاغه*، ج ۲-۳-۴، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۶. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۹۲ش، *نظارت در نظام اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغه*، ج ۲-۴-۶-۷-۱۲، چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۸. اسماعیل صینی، محمود، ۱۴۱۴ق، *المکنز العربی المعاصر*، چاپ اول، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۹. بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵ش، *فرهنگ ابجدی*، چاپ دوم، تهران: اسلامی.
۱۰. پیکاک، تونی، ۱۳۹۳ش، *بازخورد ۳۶۰ درجه، قوت دین*، ترجمه: محمدسعید، تهران: نظری
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، *الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه*، عطار، عبدالله بن غفور، ج ۲-۳-۶، چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، *مفردات الفاظ قرآن*، ج ۱-۲-۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۳. زمخشری، محمد بن عمر، ۱۹۷۹م، *اساس البلاغه*، چاپ اول، بیروت: دار صادر
۱۴. شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۷۵ش، *نهج البلاغه پارسی*، چاپ نهم، انتشارات علمی-فرهنگی
۱۵. صاحب، اسماعیل بن عماد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغه*، آل یاسین، محمدحسن، ج ۴، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.



۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمدعلی، ۱۳۷۵ش، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی، موسی زاده، ابراهیم، ۱۳۸۹ش، *نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، محقق، محزومی، مهدی، ج ۲-۳-۴-۷-۸، چاپ دوم، قم: نشر دارالهجره.
۱۹. قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱ش، *قاموس قرآن*، ج ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۱۳، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۷۴ش، *اصول کافی*، کمره‌ای، محمدباقر، ج ۲، تهران: دفتر مطالعات و تاریخ معارف اسلامی.
۲۱. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس فی شرح قاموس*، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۲۲. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۴، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰ش، *پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)* (شرح نهج البلاغه)، ج ۴-۷، چاپ اول، قم: الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵ش، *پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)*، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مهنا، عبدالله علی، ۱۴۱۳ق، *لسان اللسان: تهذیب لسان العرب*، ج ۳، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۶. نجفی، محمدحسین، ۱۲۶۶ق، *جواهر الکلام*، ج ۱۱، قم: جامعه مدرسین.

#### مقالات

۲۷. جوادی، حسن، ۱۳۹۲، نظارت و بازرسی از دیدگاه اسلام با تاکید بر فرمایشات حضرت علی (علیه السلام)، *اولین کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی*.
۲۸. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۹۰ش، نظارت و مبانی آن در نظام و اندیشه علوی، *پژوهشنامه علوی*، سال دوم، شماره ۱، ص ۱-۱۹.



۲۹. ریاحی مهر، باقر، مسترحمی، سیدعیسی، ۱۳۹۴ش، نقش فضای صدور در فهم نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۱۶-۱۳۲
۳۰. قدیری، محمدحسین، ۱۳۸۹ش، خودکنترلی کودک؛ خمیر مایه خویشتن داری اخلاقی، راه تربیت، ش ۱۱، صص ۸۷-۱۱۶
۳۱. محمودیان، حمید؛ ساجدی، علی محمد؛ فقهی، طاهره بیگم، ۱۳۹۴ش، نظارت و کنترل از نگاه مدیریتی امام علی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۹۱-۲۱۱
۳۲. مولائی، ابوالحسن، ۱۳۸۵ش، نگاهی به نظارت و کنترل در آموزه های نهج البلاغه، حصون، شماره ۷، صص ۱۹۲-۲۰۶.